

برنامه تلویزیونی «پایان نامه» از شبکه چهار سیما، همواره به‌عنوان دریچه‌ای به‌سوی دستاوردهای علمی و پژوهشی دانشگاه‌های ایران شناخته شده‌است. این برنامه که به پخش جلسات دفاع از پایان‌نامه‌های مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری می‌پردازد، اکنون در فصل جدید خود رویکردی نوآورانه در پیش گرفته و با سفر به شهرهای مختلف ایران، تلاش‌های علمی

نمایش پژوهش‌های برجسته در «پایان نامه»

پژوهشگران و دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور را در کنار جلسات دفاع دانشگاه‌های پایتخت به تصویر می‌کشد. علاقه‌مندان به تماشای فصل جدید برنامه پایان‌نامه و دنبال‌کردن سفرهای آن به دانشگاه‌های سراسر کشور می‌توانند طبق روال سابق، این برنامه را در روزهای شنبه از شبکه چهار سیما تماشا کنند. زمان پخش این برنامه همچنان ساعت ۱۹ خواهد بود.

برای آن دسته از مخاطبانی که ممکن است موفق به تماشای برنامه در زمان پخش اصلی نشوند، تکرار آن نیز روز بعد، یعنی یکشنبه، ساعت ۱۲:۳۰ پخش خواهد شد. تهیه‌کننده و مجری برنامه پایان‌نامه محمد طالبی است. برنامه این هفته به همراهی یک جلسه دفاع ارشد معماری در یکی از قدیمی‌ترین بناهای معماری یزد پرداخته است.



مطمئن بودم که اتفاق درستی در برنامه می‌افتد. خوشبختانه شبکه هم متقاعد شد و این اتفاق افتاد.

📌 **تاکنون با چند نفر در این برنامه مصاحبه کرده‌اید؟**

جعبه سیاه در دو فصل تولید شده؛ هر فصل ۵۲ قسمت است.

📌 **و مهمانان بر چه اساسی انتخاب می‌شوند؟**

برای ما مهم بود افرادی را به برنامه دعوت کنیم که علاوه‌بر چهره بودن، خوش صحبت بودن و جذاب بودن، کمتر نیز در این جنس گفت‌وگوها شرکت کرده باشند. مثلاً شخصیت‌های مذهبی و سیاسی از طرفی هم برای مخاطب شبکه افق جذاب‌تر است و از طرف دیگر بیشتر در ق‌اب رسمی یا مناسبی رسانه دیده شده‌اند. حضور آنها در برنامه یک مزیت رقابتی دیگر برای ما بود. از طرفی تنوع مهمانان هم یک خاصه بود. ما نمی‌خواستیم صرفاً یک تاک‌شوی سیاسی یا ورزشی یا سرگرمی باشیم. در جعبه سیاه تنوع مهمانان زیاد است؛ ورزشکار، بازیگر، هنرمند و رسانه‌ای هم حضور دارند.

📌 **دلیل نام‌گذاری برنامه چه بود؟**

فکر می‌کنم دیگر مشخص شده است؛ جعبه سیاه در هوایما و صنعت هوایی یک مفهوم مشخص و عمومی دارد. جایی که اطلاعات پنهان و افشا نشده یک پرواز در آن گنجانده شده و با بازگشایی‌اش، اسرار آن پرواز افشا می‌شود. جعبه سیاه آن روی دیگر زندگی چهره‌ها را به مخاطب نشان می‌دهد. رویی که در ق‌اب رسمی رسانه دیده نمی‌شود.

📌 **ریتم گفت‌وگوی برنامه جذاب و تند است. چقدر برای رسیدن به این ریتم چالش داشتید؟**

ریتم برای ما خیلی مهم بود. دوست نداشتیم برنامه اضافه‌گویی و اضافه‌کاری داشته باشد. این هم اقتضای نیاز مخاطب امروزی است که کمی کم‌حوصله‌تر بوده و اقتضای یک برنامه سرگرم‌کننده هم هست. درواقع باید بگویم که ما تمام جارت تولید برنامه را درگیر این موضوع کردیم. برای درآمدن این ریتم هم می‌بایست ساختار درستی طراحی می‌شد که کار به اطلاع‌کلام نرسد. سوالات هم مشخص و مصداقی طراحی می‌شود که ذهن مهمان را درست در موضوع موردنظر سؤال فعال کند. مدیریت مجری برنامه خیلی مهم است و همین‌طور هم سر کیف بودن مهمان برنامه که از مسیر برنامه و گفت‌وگو لذت ببرد.

در این فصل سعی کردیم چالش موقعیت را به برنامه اضافه کنیم که فارغ از گفت‌وگو، کمی تحرک فیزیکی هم تا جای ممکن در برنامه داشته باشیم. اما فارغ از این بخش‌ها، کارگردانی تلویزیونی و تعدد دوربین‌های مورد استفاده اهمیت ویژه‌ای دارد. بالاخره هرچقدر هم که محتوا جذاب باشد، کل زمان برنامه در یک فضای محدود تصویربرداری می‌شود. تعدد ق‌اب‌ها و زیبایی‌شناسی آنها در برنامه کاملاً مشهود است. با این حال گل‌نهایی در این بخش باید در پروسه تدوین برنامه زده می‌شد. تصمیم ما این بود که بی‌رحمانه تمامی قسمت‌های کمتر جذاب‌تر و کم‌حال‌تر گفت‌وگو دورریخته شود. از موسیقی در بیشتر جاهای برنامه استفاده مناسبی بشود. در بخش‌هایی، افکت‌های صوتی و بازی‌های تدوینی، گفت‌وگو را شیرین‌تر کرده‌است. این‌آن بخش از برنامه‌سازی است که معمولاً مخاطب متوجهش نمی‌شود اما تاثیر بالایی در جذابیت برنامه داشته است.

📌 **به نظر می‌رسد که در کنار برخی حواشی، به‌طور کلی قدری زمان برد تا جعبه سیاه برای مخاطب تبدیل به نامی آشنا شود. قدری از مسیر پختگی برنامه بگویید.**

بله طبیعتاً. هر کاری می‌بایست در فصل جدیدش پخته‌تر شود. این اتفاق در جعبه

سیاه افتاده‌است. مادر فصل دوم زمان زیادی را برای پیش‌تولید برنامه صرف و سعی کردیم در تمام بخش‌ها تغییر مثبت ایجاد کنیم. از بخش‌های آشکارتر مانند طراحی صحنه و دکور، هویت بصری، گیم و لباس مجری و انتخاب مهمانان گرفته تا بخش‌های محتوایی‌تر مثل سوالات و چالش‌ها. این پیش‌تولید مفصل در بهتر شدن برنامه و پسندیده‌تر شدن آن خیلی موثر بود.

خب مجری به عنوان مهاجم تیم، باید این زحمات را به گل تبدیل کند. آقای عضد به بهترین شکل ممکن گفت‌وگو را اداره می‌کند. یعنی هم کاملاً به متن وفادار است، هم در بداهه توانمند است، هم مهمان برنامه را سر ذوق می‌آورد و هم ریتم گفت‌وگو را حفظ و مدیریت می‌کند. در این فصل ما یک چالش موقعیت داشتیم که امیر عضد در آن درخشید. توانایی بازیگری بداهه فوق‌العاده‌اش کاملاً هم ما، هم مهمان و هم مخاطبان را سر ذوق آورد.

📌 **با توجه به تجربه آقای عضد در نویسندگی و اجرا، آیا از حضور او در طراحی سوالات و پژوهش‌های اولیه هم استفاده می‌کنید؟**

بله از ظرفیت ایشان هم استفاده شد اما در کل باید بگویم خروجی جعبه سیاه، زحمت چند تیم حرفه‌ای است. طراحی سوالات، چالش‌ها و طراحی یک اجرای خلاقانه که می‌بایست متناسب با هر مهمان ایدیت شود. آقای عضد بیشتر تمرکزش روی اجرای ایده‌ها بوده و همین هم علت موفقیتش است. تمرکز بالا و تاش شبانه‌روزی. تایم آفیش در بعضی از روزهای ضبط نزدیک ۱۷ ساعت می‌شد. یک تلاش طاقت‌فرسا برای تولید و رساندن یک برنامه به آنتن. خب یکی از سختی‌های کار امیر عضد این بوده که می‌بایست در این فشار کاری، ظاهر چهره‌اش را هم حفظ می‌کرد. خسته نشان نمی‌داد، انرژی‌اش را بالا نشان می‌داد تا مخاطب از این همه زحمتی که کشیده‌شده، لذت ببرد و به لطف خدا، این اتفاق افتاد.

📌 **نحوه انتخاب مجری را هم بفرمایید؛ چراکه تسلط مجری به نحوه مطرح کردن پرسش‌ها، باعث شده یک گپ و گفت جامع و به دور از میزگویی ارائه شود.**

همان‌طور که عرض کردم، در جعبه سیاه از مجری شروع نکردیم، هرچند شاید کمی خلاف رویه برنامه‌سازی امروزی باشد؛ اما ما ابتدا به سبک اجرا فکر کردیم. مزیت نسبی خودمان را در سبک اجرا و متن و طراحی برنامه دیدیم. به وقتی به طراحی اجرای برنامه رسیدیم، لیستی را از کسانی نوشتیم که هم توانایی این سبک اجرا را داشته باشند و هم انگیزه‌اش را و از همه مهم‌تر اهل تعامل و همکاری باشند. به‌هر حال الگویی که برای اجراء در نظر داشتیم، مسبق به سابقه نبود و باید با خود مجری کم‌کم به پختگی می‌رسیدیم و امیر عضد، نفر اول این لیست بود. ما همکاری خیلی خاطره‌انگیزی قبل با هم داشتیم و

نشد. واقعیت این است که در برنامه «هدیه‌ای» به مهمانان ندادیم اما در فضای مجازی طور دیگری بیان کردند. واقعیت این بود که ۴۹ مهمان سرشناس از این چالش استقبال کردند و مراجعه به آرشیو برنامه هم این را تصدیق می‌کند. ما در طراحی جعبه سیاه در فصل اول، یک ملاحظه فرمی داشتیم؛ این‌که همه چالش‌ها، صورت تصویری برای بیننده داشته باشند. مثلاً چالش بله و خیر؛ که یک راکت در اختیار مهمان برنامه بود که نظرش را با آن نشان می‌داد. یا سوالات چالش «ترین‌ها» به انتخاب مهمان برنامه از داخل گوی‌های رنگی درمی‌آمد. برای چالش پایانی از چند الگوریتم استفاده کردیم؛ مثلاً در برخی برنامه‌ها یک چک با مبلغ بالا به مهمان داده می‌شد و در ارزیاش او را به یک چالش موقعیتی دعوت می‌کردیم. خب اینها در برنامه‌سازی روز دنیا هم وجود دارد. در چالش «مرگ آگاهی» هم ما نیاز به یک المان تصویری داشتیم تا مهمان را در موقعیت مرگ به چالش بکشیم. خب ۴۹ مهمان از ۵۲ مهمان استقبال کردند.

حالا اما بعد از شروع پخش فصل دوم، بازخوردهای مجازی خیلی بهتر شده‌اند. برنامه در حال دیده شدن است. استقبال از فصل دوم و بالا رفتن دوباره پیچ برنامه و چرخش و دست به دست شدن برش‌های برنامه در فضای مجازی، مشخص می‌کند که کل برنامه در حال دیده شدن است. خب در این فصل مهمان‌های متنوع‌تری داشتیم با سوالات متفاوت‌تر، بازخوردهای زیادی هم در مورد تغییر دکور برنامه داشتیم. در مجموع برنامه دیده می‌شود و مخاطبش رو به رشد است. این برای تیم ما اتفاق مبارکی است.

📌 **نحوه تعامل تان با مجری برای مطرح کردن پرسش‌ها به چه صورت است؟**

من و آقای عضد چند سال پیش در یک پروژه تلویزیونی دیگر یک همکاری بسیار شیرین و خاطره‌انگیز داشتیم و رابطه ما بسیار صمیمی است. آقای عضد یک مجری بسیار توانمند، خلاق و نوآور است. به بهترین شکل ممکن ایده‌های کارگردان و سرپربر را اجرا می‌کند. این فصل نیز بسیار توانمندتر و پخته‌تر از فصل قبل است.

در پاسخ به سوال تان این نکته را عرض می‌کنم؛ ما یک الگوریتم کلی برای برنامه طراحی کردیم که شامل چالش‌های اصلی برنامه است. هر چالش متناسب با مهمان برنامه، متن و سولاتش توسط تیم نویسندگان طراحی و نوشته می‌شود. این متن به همراه یک پیشنهادی کلی از مهمان برنامه در اختیار مجری قرار می‌گیرد. جعبه سیاه می‌خواهد در یک فضای بسیار صمیمانه و نوآورانه ناگفته‌های زندگی مهمانان را نمایش دهد.

برش

روایتی از یک اتاق فکر

📌 **قدری درباره اتاق فکر برنامه بفرمایید که چطور بر سر خط پرسش‌ها برای هر فرد به نتیجه می‌رسید؟**

خب همان‌طور که عرض کردم، در جعبه سیاه از الگوهای مرسوم پیروی نکردیم. برنامه از چند چالش تشکیل شده و هر چالش چندین سؤال دارد. یک سری سوالات عمومی است که به تعداد خیلی زیاد همان ابتدای طراحی الگوی برنامه در اتاق فکر نویسندگی برنامه طراحی شده. سولاتی که بتوانیم از همه مهمان‌ها برسیم و اگر مهمانی تمایلی به پاسخ شفاف نداشت، جایگزین هم داشته باشیم اما بیشتر سوالات می‌بایست با اتمسفر خود مهمان برنامه همخوانی پیدا می‌کرد. ما ابتدا یک پژوهش در مورد داده‌های آشکار مهمان انجام می‌دهیم؛ هر آن چیزی که از یک چهره مشهور می‌توان در اینترنت پیدا کرد. از گفته‌هایش در دیگر برنامه‌ها تا حواشی‌ای که داشته است. یک متن خلاصه از

برنامه گفت‌وگو محور و چالشی «جعبه سیاه» به تهیه‌کنندگی سید مجتبی موسوی و کارگردانی علی واسعی، با حضور شخمیت‌های مطرح در عرصه‌های مختلف، سعی دارد مباحثی جذاب و بحث‌برانگیز را به مخاطبان ارائه کند. این برنامه سراغ چهره‌هایی رفته که کمتر در ق‌اب تلویزیون حاضر به صحبت می‌شدند. شاید از همین منظر هم بخش‌های مختلف برنامه در فضای مجازی وایرال شد. در همین رابطه با سید مجتبی موسوی، تهیه‌کننده برنامه جعبه سیاه گفت‌وگو داشتیم تا درباره چالش‌های تولید این برنامه و اتاق فکر آن بشنویم.



سید اشرفی
گروه رسانه

📌 **قدری درباره نحوه شکل‌گیری برنامه «جعبه سیاه» بفرمایید. چطور شد که این برنامه کلید خورد؟**

قرار بود یک برنامه گفت‌وگو محور و سرگرم‌کننده برای آنتن ماه رمضان و عید شبکه افق، طراحی شود که ادامه پخش آن در طول سال باشد. خب همه این واژه‌هایی که گفتم، هنگام طراحی برنامه برای ما چالش بود. این جنس برنامه‌ها در انواع مختلف و از شبکه‌های مختلف سیما پخش می‌شود. معمولاً هم فرمول مشخص است؛ یک مجری سلبریتی، یک مهمان سلبریتی، یک دکور پر زرق و برق، و بعد هم تعدادی سؤال زرد. حالا ما می‌بایست محدودیت‌های جدی مالی و برآوردی را هم درنظر می‌گرفتیم. پس انتخاب اول و آخر مشخص بود؛ ناچار بودیم متفاوت باشیم، طبیعتاً اگر از الگوهای مرسوم استفاده می‌کردیم، شکست می‌خوردیم. پس ابتدا به یک طراحی متفاوت فکر کردیم. یک تاک‌شوی ساختاریافته با الگوریتمی که مخاطب به‌تدریج و با پخش قسمت‌ها و استمرار روی آنتن، با آن آشنا می‌شود. گفت‌وگویی که صرفاً دیگر یک گپ خودمانی نیست؛ مهمان فقط نباید به سوالات مجری پاسخ دهد و مجری فقط نباید سوالات ذهنی خودش را از مهمان بپرسد؛ بلکه چالش به چالش مهمان جلو می‌رود و مجری او را همراهی می‌کند. اصلاً شعار برنامه این شد؛ جعبه سیاه زندگی‌تو خودت باز کن. مهمان

در یک سناریوی ازپیش تعیین‌شده قرار می‌گیرد. سناریویی که ماجراجویی در آن، اول از همه برای خود مهمان جذاب می‌شود. ما تلاش کردیم در طراحی برنامه، این تفاوت را در همه قسمت‌ها در نظر بگیریم؛ چه در تنه اصلی برنامه که یک گفت‌وگوی ساختاریافته داریم و به جای سوال، چالش است و چه در دکور که برای مان مهم بود در خدمت ایده برنامه باشد. حتی در اجرا که جلوتر هم توضیح خواهیم داد؛ ما به جای لیست کردن سلبریتی‌ها و مذاکره با آنها برای اجرا بر سر یک مدل، به یک اجرای نوآورانه رسیدیم که هم متن دارد و هم نمایش و هم بداهه. ما درواقع یک نقش تعریف کردیم و بعد به دنبال کسی گشتیم که بتواند آن را بازی کند. امیر عضد درواقع یک نقش در برنامه گرفته است و آن را با متن و بداهه به فراخور هر مهمان به پختگی می‌رساند. خب این متفاوت بودن هم برای ما جذاب بود و هم کمی ترسناک اما بالاخره از دل این ریسک عبور کردیم و جعبه سیاه متولد شد.

📌 **در مدت اخیر خیلی بحث بر سر برنامه در فضای مجازی بالا گرفته. پیش‌بینی این بازخورد‌ها را داشتید؟**

جعبه سیاه از همان اولین روزهای پخش در فضای مجازی، خیلی خوب دیده شد. برش‌های صحبت‌های مهمانان و چالش‌های مجری برنامه با آنها بسیار دیده شد؛ مثلاً علی پورکاوه، حجت‌الاسلام دانشمند و محسن عراقی اولین مهمانان جعبه سیاه بودند. مخاطب از طرفی هم با یک میزانشن جدید از یک برنامه تاک‌شو روبه‌رو شد؛ یک فضای